

یعنی حداکثر مطالبات ما در آن برآورده نشد. به هر صورت عین خودقطعه‌نامه‌ها چون مصوبه شورای امنیت را داشت، طرفین را ملزم به اجرا می‌کرد. ما آثار آن را در بخش های اقتصادی از جمله بحث نفت و گاز مشاهده کردیم. در این زمان کشور به نظر من وارد دوران جدیدی شد. انتخاب ۵۱ درصدی روحانی که رای لب مرزی بود جامعه را با واقعیتی مواجه کرد که این رای دهی واقعی بوده است.

نظر شما در بخش دوم چیست؟ آیا از ابتدا

پیش‌بینی این عملکرد را از روحانی داشتید؟ شاید مردم و مسئولان ابتدا این پیش‌بینی را درباره روحانی و توانمندی او نداشتند. همین امر باعث شد ما شاهد وجه دوم سوال شما شویم که در دوره دوم اقبال عمومی به روحانی بیشتر شد که تاثیر کار روحانی در دولت اول بود. روحانی علی‌رغم برخی نا کارآمدی‌ها در حوزه اقتصادی و معیشتی اگر در دولت اول هیچ کاری جز برجام نکرده باشد، حتما نمره قبولی و بسیار قابل دفاعی دارد. برجام به هويت و بقای کشور گره خورده است.

قرارداد توتال دستاورد برجام است

بنابراین امروز می‌بینید برجام نه تنها برای ما اهمیت پیدا کرده بلکه برای کشورهای اروپایی نیز دارای اهمیت است. ترامپی که آمد و در تبلیغات گردن درازی کرد و گفت اگر رئیس جمهور شوم اولین کارم لغو و پاره کردن برجام است، بعد از مدتی اعلام کرد تا زمانی که ایران به عهده خود پایبند باشد آمریکا نیز به آن پایبند خواهد بود. نکته مهم این است که در این قصه کشورهای اروپایی به طور مستقل یعنی در راستای سرنوشت خود و منافع منطقه‌ای یا جهانی خود برجام را نگاه می‌کردند. بنابراین خرج خود را از آمریکایی‌ها جدا کردند و موضعی در باره برجام نگرفتند. بارها اعلام کردند که به برجام وفادار هستند. امروز می‌بینید توتال می‌آید با وزارت نفت ما قرارداد می‌بندد. این اتفاق، دستاورد برجام است.

خرید هواپیماهایی و قراردادهای مختلف بین المللی و سرمایه‌گذاری خارجی ماحصل برجام بود. بنابراین از یک جهت با این دستاورد نگاه مردم به دولت روحانی و کارکرد آن و دولت‌مردانش کاملا مثبت بود. یک جنبه آن هم سلسلی بود. یعنی رقیب روحانی یا دو رقیبش به گونه‌ای وارد میدان شدند که از ناپختگی آنها نشأت می‌گرفت. بنابراین جامعه به خوبی فهمید و متوجه شد که اینها تعارف ندارند و هر کدام به پیروزی برسند تجربه ۸۴ و دولت قبل تکرار خواهد شد.

کارشناسان معتقد هستند یک‌سری بداخلاقی‌ها که از دو جناح هم بود در انتخابات صورت گرفت. مثلا صحبت‌هایی که از سوی روحانی مطرح شد و بحث دوگانه آرایش و جنگ یا وحشت و ترس شکل گرفت. به همین دلیل مردم به دلیل فرار از وحشت و ترس به سمت روحانی روی آوردند. برخی از کارشناسان و حتی تحلیلگران اصلاح‌طلب هم عقیده‌ها دارند که روحانی در بخش اقتصادی و معیشت ضعیف عمل کرده و به همین دلیل به این دوگانه روی آورده است. تصور شما در خصوص دوگانه ترس-آرامش چیست؟

گفتمانی که با روحانی رقابت کرد به گونه‌ای بود که خود مردم متوجه آن شدند. تاکتیک تبلیغاتی نبود که روحانی یا تمییش یا سیاست‌هایش به کار ببرند و جنگ روانی راه بیندازند که پیروز انتخابات شوند.

شبکه‌های اجتماعی در سال ۹۶ صدا و سیما را ضربه‌زنی کرد

باور من این است که مردم به خوبی این مساله را فهمیده بودند و این موضوع در سطوح مختلف اعم از نخبگان، کنشگران و در کف جامعه دیده می‌شد. در این انتخابات یک جلوه بارز هم غلبه شبکه اجتماعی بر رسانه‌های پیشین ما بود. هر دو طرف در شبکه‌های اجتماعی حضور داشتند. من این تعبیر را به کار بردم که در انتخابات سال ۹۶ مردم صداوسیما ما را ضربه‌زنی کردند.

بنابراین اگر ستادی هم نشیند و کار طراحی عملیات جنگ روانی را نکند جامعه به خوبی این موضوع را فهمیده بود. چون رقیب خیلی دستپاچه وارد انتخابات شد. سریع وارد انتخابات شدند ولی چهره‌هایی که وارد انتخابات کردند چهره‌هایی نبودند که بتوانند با روحانی رقابت کنند.

معتقد بودیم نامزد در سایه بازی با افکار عمومی است

خیلی از کنشگران معتقد بودند حضور رقبای روحانی ایشان را وارد به انتخاب گزینه همراہ با پوششی کرده‌است. در مورد جهانگیری توضیح می‌دهم. در این باره مصاحبه‌هایی در دوستان اصلاح‌طلب و بنده کرده‌ایم. برخی معتقد بودند نامزد در سایه وجود داشته باشد. این مساله هم بیشتر معطوف به بحث تایید صلاحیت یا رد صلاحیت بود. وقتی خود روحانی اعلام کرد من از این پرسوه عبور کردم و دغدغه‌ای ندارم معتقد بود کسی وارد انتخابات نشود. بنابراین وقتی آن مساله حل شد بسیاری از کنشگران در جبهه اصلاحات معتقد بودند لزومی ندارد که ما نامزد در سایه را بیاوریم چون خود روحانی اعلام کرده که نامزد است. معتقد بودیم نامزد در سایه بازی با افکار عمومی است.

تیم عقبه رسانه‌های روحانی باید چنان قوی عمل کند که روحانی یک‌تنه وارد صحنه شود. برخی از دوستان جهانگیری درصد پیکیری این قضیه بودند که ایشان وارد انتخابات شود.

یعنی اصلاح‌طلبان مخالف حضور جهانگیری به عنوان نامزد در سایه بودند؟

همان کاری که قالیباف انجام داد و همه آرای او وارد سید رای رئیس نشد. تجربه سال ۸۴ که آرای کروبی و مهرعلیزاده و معین الزما وارد سید رای هاشمی نشد می‌توانست درس عبرت باشد. مطمئن باشید که هاشمی، رئیس‌جمهور بود اگر این اتفاقات رخ نداده بود. بنابراین یکی این تجربه بود که می‌گفتند جهانگیری ضعیف وارد عمل نمی‌شود و قوی هم وارد شده است. قوی وارد شدن با توجه به تجربه‌ای که از لحاظ معیشتی و اقتصادی در کارکرد چهار ساله اول دولت روحانی وجود داشت ممکن بود سید رایی را به جهانگیری اختصاص دهد که این الزاما با کناره‌گیری جهانگیری به روحانی باز نگردد.

بخشی زیادی از آرای قالیباف در سید رای رئیس نرفت

نهائیا انتخابات دوقطبی شد. بخش زیادی از آرای قالیباف الزاما در سید رای رئیس نرفت. اما به این نکته توجه کنید که همه ۱۶ میلیون رای رئیس برای خود ایشان نبود. بخشی از آن رای ایجابی رئیس بود و من تحلیل این است که بتوانیم ۵۰-۵۰ اعلام کنیم یا بخشی از رای ناراضیان از عملکرد دولت اول روحانی بود. یعنی کسانی که روحانی را در دوره اول انتخاب کردند ولی چون آثار ملموس اقتصادی و معیشتی را ندیده بودند به رئیس رای دادند؛ چون جامعه ما توسعه‌یافته و در حال گذار است.

بحث ۵۴ هزار تومان در رای کروبی در سال ۸۴ موثر بود

به نظر شما اگر مردم راضی بودند روحانی باید به همان اندازه رای خاتمی در سال ۸۰ رای در سید خود جمع می‌کرد؟ یک نکته این است و نکته مهم‌تر اینکه این جامعه خیلی آینده‌نگر نیست. بنابراین با پدیده‌ها باید ملموس و عینی برخورد کنند. همانطور که یارانه اثرگذار است و ما می‌دانیم در خیلی از انتخابات‌ها مثل ۸۴ بسیاری از دوستان این میزان رای کروبی را پیش‌بینی نمی‌کردند. بعد معلوم شد بحث ۵۴ هزار تومان در رای کروبی موثر بود.

بنابراین این ادعاها ۲۵۰ هزار تومانی می‌توانست افکار عمومی را به خود جلب کند؛ ضمن اینکه بالاخره جامعه نمی‌دانست پیچیدگی‌های تحریم‌ها خودبه‌خود پیچیدگی‌هایی را در درازمدت و میان مدت بر برجام تحمیل می‌کند که الزاما وقتی بعد از برجام برخلاف تبلیغات رسانه‌های رقیب دولت، آثار آن مشخص نشد و چنین اتفاقی هم رخ نمی‌داد و همه این را می‌دانستند. این جنگ روانی و تبلیغاتی علیه دولت بود. این تبلیغات بر جامعه اثر گذاشته بود بنابراین بخشی از رای رئیس مختص ایشان نبود.

به همین جهت انتخابات ۹۶ را از ابتدا خیلی از اصلاح‌طلبان پیش‌بینی می‌کردند که انتخاباتی منحصربه‌فرد در تاریخ ۴۰ ساله جمهوری اسلامی است.

به نظر شما اگر گزینه‌های اصولگراها در رسیدن به وحدت بین قالیباف و رئیس تغییر می‌کرد، انتخابات دو مرحله‌ای می‌شد؟

بله اگر وحدت روی قالیباف اتفاق می‌افتاد شاید انتخابات شکل گرفت، کارکرد رئیس در جمهوری اسلامی بود. همچنین اگر عملکرد ایشان در قوه قضائیه و دوره مسئولیت قضایی را کنار بگذاریم، برای خیلی از جامعه این مساله مهم است که کسی که یک روز در هیچ رده‌ای از حوزه اجرایی کشور کار نکرده و حتی رئیس اداره نبوده چگونه می‌خواهد یک کشور را اداره کند.

وحدت روی قالیباف، انتخابات را دو مرحله‌ای می‌کرد

با اینکه به قول خودشان در متن خیلی از امور بودند و در خیلی از کمیته‌ها و مجارزه با مفاصل اقتصادی و سازمان بازرسی حضور داشتند، ولی کار در قوه اجرایی کار ویژه خودش را دارد. بنابراین اگر اصولگرایان نامزد با تجربه اجرایی را می‌آوردند، انتخابات به مرحله دوم کشیده می‌شد یا اینکه ترکیب آرا به این صورت نبود.

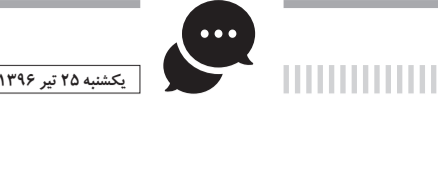
اگر قالیباف می‌ماند چطور؟

من درباره قالیباف تحلیل چیز دیگری است. عرف نظام سیاسی در دنیا این است که اگر کسی در یک دوره آمد و سرنوشت خود را محک زد و نگاه جبهه اصولگرایان منتسب به خود را محک زد نباید وارد دوره انتخابات جدید شود. نکته مهم این است که در مورد قالیباف چند تصور وجود داشت. یکی به خاطر عملکرد ۱۲ ساله شهرداری تهران، دیگری تصور نظامی بودن و آخرین مورد بازگشت به دوره احمدی‌نژاد. اما رئیس‌ی که کار اجرایی نکرده بود ولی به عنوان یک روحانی سید و کمتر حاشیه‌دار نسبت به قالیباف می‌توانست تاثیر خود را بگذارد و گذاشت.

جامعه ما رئیس‌جمهور تک‌دوره‌ای را نمی‌پسندد

گویسا همه گمان می‌کردند با حضور رئیس و روحانی انتخابات شبیه سال ۷۶ خواهد شد. بله، ولی عملکرد ۱۲ ساله قالیباف در منظر مردم بود. پایتخت هم کانون تاثیرگذاری بر روند انتخابات در کشور است. ابزار شبکه اجتماعی که پیش از این گفتم را هم در نظر گرفته و تاثیر آن را برای هر دو جناح در نظر بگیرد. تفاوت در این نکته است. بنابراین معتقد اصولگرایان باید تدبیر می‌کردند. ضمن اینکه بالاخره جامعه ما ویژگی‌های دیگری دارد. یعنی خیلی ریاست جمهوری تک‌دوره‌ای را نمی‌پسندد مگر اینکه اتفاق خاصی بیفتد.

شاید اگر این مورد باب می‌شد خیلی از رئیس‌جمهورها در ۴ سال اول خود بهتر کار می‌کردند. وقتی کارنامه رئیس جمهوری مانند حسن روحانی را دارید خیلی مواقع شمشیر دولبه‌است. اگر احمدی‌نژاد در سال



میانبر

آیا اصلاح‌طلبان در انتخابات مخالف حضور نامزد در سایه بودند؟

نامزد در سایه بازی با افکار عمومی است. بسیاری از کنشگران معتقد بودند لزومی ندارد که ما نامزد در سایه بیاوریم اما طرفداران آقای جهانگیری اصرار داشتند.

اگر آیت‌الله هاشمی در قیدحیات بودند کنار آمدن در بحث کابینه راحت‌تر نبود؟

آیت‌الله هاشمی شب مراسم تحلیف سال ۹۲ به روحانی گفت که رحمانی فضلی را انتخاب نکن و او قبول کرد، ولی در لحظه آخر کار خود را کرد.

پیش‌بینی شما از آینده دولت دوم روحانی چیست؟

اگر روحانی همانند احمدی‌نژاد در چهار ساله دوم خوب عمل نکند و کابینه را به خوبی تغییر ندهد حتما اتفاقات مشابه دوره دوم احمدی‌نژاد رخ خواهد داد.

علت شکست اصلاح‌طلبان در سال ۸۴ چه بود؟

تکثر نامزدهای اصلاحات یک اشتباه تاکتیکی بود. تردید ندارم اگر رقابت بین احمدی‌نژاد و کروبی صورت می‌گرفت کروبی پیروز انتخابات بود.

۸۸ از ریاست جمهوری کنار می‌رفت سرنوشت سیاسی او خیلی بهتر از امروز بود. یادمان نرود احمدی‌نژاد در دوره دوم بود که با اصولگرایان درگیر شد و بخش‌های اساسی حاکمیت با او درگیر شدند. احمدی‌نژاد از اول سیاستی کاملا متفاوت داشت و علاوه بر ویژگی‌های شخصی و روان شناسانه خود، مختصاتی را برای خود در حوزه مدیریت تعریف کرد که پاشنه آشیل او بود ولی با این حال در سال ۸۸ اگر رئیس جمهور نمی‌شد هم جبهه اصولگرایی را دچار چنددستگی نمی‌کرد و هم خیلی سربلند بیرون می‌رفت.

چرا از دوره دوم خاتمی به احمدی‌نژاد رسیدیم؟ این پیش‌بینی را برای روحانی هم می‌توان تصور کرد، یعنی بعد از دولت دوم روحانی یک جریان دیگری روی کار بیاید؟ بله، اتفاق دوره‌های دوم ریاست جمهوری خیلی مهم‌تر از دوره اول است. دوره اول یک دوره آمادگی و دست‌گرمی است. حسن روحانی با پدیده بزرگی به نام برجام روبرو بود و به همین جهت من معتقدم دوره دوم او خیلی مهم‌تر است. نکته آغاز این اهمیت هم چیش کابینه اوست. روحانی اگر برخلاف دوره اول یک کابینه کارآمد و منسجم و هماهنگ را تشکیل دهد که توانمندی‌ها کاملا ملموس باشد، مسیر او ادامه دارد. اگر هم مانند احمدی‌نژاد یکسری افراد بی‌تجربه و نا کارآمد را سرکار بیاورد، سرنوشت نامناسبی را برای خود رقم خواهد زد.

روحانی می‌تواند نقشی مشابه خاتمی ایفا کند

حسن روحانی می‌تواند مشابه نقشی که خاتمی ایفا کرد، ایفا کند. یعنی تاثیرگذار بر بدنه اجتماعی رای خود باشد. اگر برعکس عمل کند جامعه تعارف ندارد. جریانات سیاسی هم تعارف ندارند. اگر در چهارساله دوم خوب عمل نکند و کابینه را به خوبی تغییر ندهد حتما اتفاقات مشابه دوره دوم احمدی‌نژاد رخ خواهد داد.

الزامی ندارد چهره‌های نسل اول و دوم انقلاب در سطوح مدیریتی حضور داشته باشند

امروز رئیس‌جمهور فرانسه زیر ۴۰ سال است. بعد از ۴۰ سال از گذشت عمر جمهوری اسلامی آن چهره‌های نسل اول انقلاب یا برخی نسل دوم انقلاب که الان به بالای ۶۰ سال می‌رسند، الزامی ندارد در سطوح مدیریتی حضور داشته باشند. احمدی‌نژاد چهره‌ای جوان تر نسبت به آقای هاشمی بود. چهره هاشمی بود. آقای هاشمی نماد حاکمیت بود. بخشی از آرای احمدی‌نژاد رای «نه به هاشمی» بود که نماد حاکمیت بود. بنابراین چیزی که گفتم شب اول به آقای هاشمی گفتند کنار بکشید.

چگونه گفتند؟ برخی اصلاح‌طلبان خواستند.

خاتمی هم جزء این افراد بود؟ من اسم نمی‌برم.

نزدیکان هاشمی در آخرین سه‌شنبه قبل از انتخابات ۸۴ گفتند که ما بازنده هستیم

می‌خواهیم بدانیم این سخنان جمع‌بندی بزرگان اصلاح‌طلب بود یا خیر؟ خیر، اردوگاه آقای هاشمی چنان به این جمع‌بندی رسیده بود که در زمان خود جمع‌بندی واقعی بود آقای هاشمی رای خواهد آورد. درست این اتفاق، این ادبیات و این گفتمان سه‌شنبه صبح تغییر کرد. نزدیکان آقای هاشمی گفتند ما به این جمع‌بندی رسیدیم که بازنده هستیم.

سه روز قبل از دوره دوم بود؟ بله، چرا که در جامعه دیدند واقعیت چیز دیگری است.



انحلال شورای عالی سیاست‌گذاری مطالبه عمومی نیست

احزاب منتقد شورا اندازه کمی و کیفی خود را بدانند

اینکه ما شاهد رقابت جدی خواهیم بود، احتمال پیروزی کروبی نسبت به احمدی‌نژاد خیلی بیشتر بود.

سال ۹۲ عارف را داشتیم و او کنار کشید. در سال ۹۶ هم جهانگیری بود و خوب ظاهر شد و باز هم کنار کشید. اصلاحات تا چه زمانی قرار است در قالب نامزد دیگران و پوششی عمل کند؟ اصلاحات کاندیدا و چیز دیگری به نام شورای نگهبان دارد.

برای ناطق و ولایتی منافع ملی بر منافع حزبی ارجحیت دارد
سال ۹۲ عارف تایید شد ولی با دستور خاتمی به صورت قهر کنار رفت.

چیزی برای اصلاح‌طلبان اولویت دارد که امروز برای اصولگرایان معتدل هم اولویت دارد. برای مثال ناطق نوری و ولایتی اولویت دارند و آن ترجیح منافع ملی بر منافع حزبی است.

کشور شرایط خطیری دارد، چه از نظر داخلی و ملی و چه از نظر فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی. امروز یک جریان سیاسی با حفظ هویت سیاسی خود وقتی در کارزار و صحنه رقابت قرار می‌گیرد منافع ملی و مصالح مردم را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌دهد. وقتی رهبری در سال ۹۱ به این جمع بندی می‌رسند که پرونده تحریم‌ها باید بسته شود، در حقیقت مصلحت کشور و تمامیت ارضی کشور و مصالح مردم را بر چیزی ترجیح می‌دهند.

چرا مصالح ملی در سال ۸۸ برای اصلاح‌طلبان ارجحیت نداشت؟ حتی بزرگان اصلاح‌طلب در آن زمان موضع نگرفتند و نگفتند که طرفداران شان آرام باشند. وارد سال ۸۸ نشوید چرا که هم برای خودتان در سدر ایجاد می‌کند و هم برای من. سال ۸۸ نقطه عطفی در تاریخ جمهوری اسلامی است و مسائل خاص خود را دارد. برای همین می‌گویم مقایسه نکنید.

طبق فرمایش شما اصلاح‌طلبان در سال ۹۲ به خاطر منافع ملی از عارف گذشتند ولی در سال ۸۸ برای منافع ملی چنین نکردند. اینها ربطی به هم ندارد. منافع ملی اقتضا می‌کرد مسائلی رخ دهد تا برخی مسائل روشن شود تا مسائل روشن شده اتفاق نیفتد. به نظر من سال ۹۲ اتفاق نیفتاد و ۹۴ و ۹۶ هم اتفاق نیفتاد.

هیچ اصلاح‌طلبی در سال ۸۸ نمی‌خواست آن اتفاقات رخ دهد

حق الناس بودن رای مردم بعد از سال ۸۸ بود که رهبری با هوشمندی کامل بیان کردند یا دغدغه دوقطبی شدن جامعه را داشتند و اعلام کردند. سال ۸۸ اتفاق ناگواری بود. هیچ اصلاح‌طلبی نمی‌خواست چنین شود.

چرا وقتی اتفاق افتاد بزرگان جریان اصلاحات برای آرام کردن جامعه به میدان نیامدند؟

آمدند. من مطالبی عرض می‌کنم؛ انتخاباتی که هنوز برگزار نشده و ۲۹ خرداد است و قاضی سعید مرتضوی حکم دستگیری برخی از دوستان اصلاح‌طلبان را صادر می‌کند. معتقدم وارد ۸۸ نشویم ولی اگر به همین نکته توجه کنید و کاری که تمام بچه‌ها در بازجویی‌های خود گفتند انتخابات سال ۸۸ انتخابات ویژه‌ای است و نباید وارد آن شد.

قابل توجهی از رای سه نامزد دیگر اصلاح‌طلب به هاشمی پیوند نخورد این بود که سال ۸۴ با توجه به شعرها و ادبیات جدید که بر محور عدالت اجتماعی و در قالب بیان پوپولیستی احمدی‌نژاد مطرح شد، طبیعی بود برابر رقیبی که نماد حاکمیت است، چنین شود.

وقتی در مرحله دوم که دوگانه احمدی‌نژاد و هاشمی شکل گرفت خیلی‌ها به آقای هاشمی، شب اول پیشنهاد دادند شما کناره گیری کنید و من تردید ندارم اگر رقابت بین احمدی‌نژاد و کروبی صورت می‌گرفت، کروبی پیروز انتخابات بود.

چرا؟ چون رای مردم در مرحله دوم رای «نه به هاشمی» بود.

وزارت نفت و امور خارجه را نمی‌توان دست جوانان سپرد

یعنی رای منفی آقای هاشمی بالا بود؟ بله، علاوه بر این بخشی از جامعه ظهور کرده و افرادی که تا کنون رای نداده بودند چهره احمدی‌نژاد برایشان جذاب بود. امروز هم خیلی از جامعه مدعی است که چهره کابینه جدید و جوان تر باشد و این را روحانی پذیرفته و قرار است، عمل کند. اگر چه تجربه را انکار نمی‌کنم، اما وزارت نفت و امور خارجه را نمی‌توان دست جوانی داد که حتی ممکن است بر روابط بین الملل تسلط نداشته باشد.

الزامی ندارد چهره‌های نسل اول و دوم انقلاب در سطوح مدیریتی حضور داشته باشند

امروز رئیس‌جمهور فرانسه زیر ۴۰ سال است. بعد از ۴۰ سال از گذشت عمر جمهوری اسلامی آن چهره‌های نسل اول انقلاب یا برخی نسل دوم انقلاب که الان به بالای ۶۰ سال می‌رسند، الزامی ندارد در سطوح مدیریتی حضور داشته باشند. احمدی‌نژاد چهره‌ای جوان تر نسبت به آقای هاشمی بود. چهره هاشمی بود. آقای هاشمی نماد حاکمیت بود. بخشی از آرای احمدی‌نژاد رای «نه به هاشمی» بود که نماد حاکمیت بود. بنابراین چیزی که گفتم شب اول به آقای هاشمی گفتند کنار بکشید.

چگونه گفتند؟ برخی اصلاح‌طلبان خواستند.

خاتمی هم جزء این افراد بود؟ من اسم نمی‌برم.

نزدیکان هاشمی در آخرین سه‌شنبه قبل از انتخابات ۸۴ گفتند که ما بازنده هستیم

می‌خواهیم بدانیم این سخنان جمع‌بندی بزرگان اصلاح‌طلب بود یا خیر؟ خیر، اردوگاه آقای هاشمی چنان به این جمع‌بندی رسیده بود که در زمان خود جمع‌بندی واقعی بود آقای هاشمی رای خواهد آورد. درست این اتفاق، این ادبیات و این گفتمان سه‌شنبه صبح تغییر کرد. نزدیکان آقای هاشمی گفتند ما به این جمع‌بندی رسیدیم که بازنده هستیم.

سه روز قبل از دوره دوم بود؟ بله، چرا که در جامعه دیدند واقعیت چیز دیگری است.